



گفت‌وگوی روزنامه صبا با عوامل نمایش «تن و دیگر تکه‌پاره‌های عشق»

دفاع از تئاتر اندیشه‌محور در روزگار مصرف‌زدگی

سروین دهقان
گفت‌وگو

نمایش «تن و دیگر تکه‌پاره‌های عشق» با روایتی چندلایه و نگاهی متفاوت به روابط انسانی، مفاهیمی چون عشق، آزادی، هویت و فقدان را به صحنه می‌آورد. این اثر با تکیه بر بازی بازیگران و ظرفیت‌های اجرایی تئاتر، مخاطب را به مواجهه با پیچیدگی‌های انسان و مرزهای مبهم واقعیت و خیال دعوت می‌کند. با عوامل این نمایش گفت‌وگویی انجام داده‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

رضا بهکام، کارگردان:

تئاتر اندیشه‌محور به حاشیه رانده شده است

رضا بهکام، کارگردان نمایش «تن و دیگر تکه‌پاره‌های عشق»، در این گفت‌وگو از وضعیت تئاتر، غلبه آثار سطحی و ضرورت حفظ تئاتر جدی سخن می‌گوید.

○ شما پیش از آنکه به‌عنوان کارگردان شناخته شوید، در حوزه نویسندگی و نقد تئاتر فعالیت داشته‌اید. این تجربه‌ها چقدر در شکل‌گیری نگاه کارگردانی شما تأثیر گذاشته‌اند؟

من همچنان در حوزه‌های پیشین فعالیت دارم، اما تلاش کرده‌ام اندیشه و دانش آموخته‌شده خود در زمینه کارگردانی را با تجربه عملی روی صحنه توسعه بدهم. بدون تردید، فعالیت در حوزه نقد و نویسندگی نمایشنامه، عمق و غنای زیادی به کار من بخشیده است. این تجربه‌ها کمک کرده‌اند تا هنگام مواجهه با یک اثر نمایشی، علاوه بر جنبه‌های اجرایی، به لایه‌های فکری و دراماتیک آن نیز توجه داشته باشم.

○ بعد از تجربه نمایش‌هایی مثل «یخ‌زده» و «نامقصد»، چه ویژگی‌ای در نمایشنامه «تن و دیگر تکه‌پاره‌های عشق» وجود داشت که شما را به سمت اجرای آن کشاند؟

مونولوگ‌ها و دیالوگ‌های قدرتمند اثر در حوزه روان‌شناختی و با محوریت درام، توجه من را به این متن جلب کرد. البته در فرآیند دراماتورژی، تغییراتی با هدف ایجاد عطف‌های دراماتیک و رسیدن به متنی اجرایی در آن صورت گرفت. در واقع، هم دغدغه شخصی و سلیقه هنری من در انتخاب این اثر تأثیر داشت و هم ظرفیت‌های دراماتیک خود نمایشنامه. این دو عامل در کنار یکدیگر باعث شدند به سراغ اجرای آن بروم.

○ در خلاصه نمایش با این پرسش مواجه می‌شویم که «جسدی در ساحل پیدا شده، ممکن است یک مرده زنده شود؟» شما در این اجرا چه تعریفی از مرگ، زندگی و امکان دوباره زنده شدن انسان ارائه می‌کنید؟

در این اثر با ظرفیت سیالیت ذهن و کاوش در حافظه و زمان مواجه هستیم. شخصیت‌ها از مسیر بازنگری در رویدادهای زیسته خود، به لایه‌های تازه‌ای از تجربه انسانی می‌رسند. برای من، یکی از وجوه مهم نمایش، امکان تأمل درباره مرگ از مسیر زندگی است؛ اینکه انسان چگونه با خاطرات، تجربه‌ها و گذشته خود مواجه می‌شود و چگونه این مواجهه می‌تواند درک او از مرگ و زندگی را تغییر دهد.

○ شما علاوه بر کارگردانی، دراماتورژی این اثر را نیز بر عهده داشته‌اید. در مواجهه با متن یک نویسنده کانادایی معاصر، چقدر به جهان اصلی نمایشنامه وفادار ماندید و چقدر تلاش کردید آن را با جهان ذهنی مخاطب ایرانی پیوند بزنید؟

تلاش کردم تا حد امکان به جهان اصلی متن وفادار بمانم، اما در فرآیند دراماتورژی نیاز بود شخصیت سیمون، به‌عنوان راوی اصلی، لایه‌پردازی بیشتری پیدا کند. از نظر روان‌شناختی، برای من اهمیت داشت که این شخصیت فراتر از حسادت یا خیانت در روابط زنانه تعریف شود. پرداختن به مضامین انسانی مانند فقدان فرزند می‌توانست به عمق شخصیت سیمون اضافه کند و قوس شخصیتی مناسب‌تری برای او شکل دهد. به همین دلیل، با ایجاد عطف‌های دراماتیک و طراحی نقاط اوج، تلاش کردم ظرفیت‌های تازه‌ای به ساختار اثر اضافه کنم؛ ظرفیت‌هایی که در نهایت، ابعاد انسانی و فرامرزی نمایش را نیز تقویت می‌کنند.

○ عنوان نمایش «تن و دیگر تکه‌پاره‌های عشق»، بدن را به یکی از مفاهیم محوری تبدیل می‌کند. بدن در این اجرا صرفاً ابزاری برای روایت است یا خودش به‌عنوان زبانی مستقل، حامل معنا و حافظه و زخم‌های انسانی عمل می‌کند؟

به تعریف دوم نزدیک‌تر هستم. در این اجرا تلاش کردم بدن با کنشگری خود، مفاهیمی مستقل و در راستای جهان اثر را منتقل کند. به همین دلیل، در طراحی حرکات و میزانسن‌ها، این رویکرد جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده و به یکی از عناصر اصلی فرم اجرایی تبدیل شده است. برای من بدن صرفاً وسیله‌ای برای همراهی با کلام نیست، بلکه می‌تواند به‌تنهایی حامل معنا و بخشی از روایت باشد.

○ در این اجرا با سه بازیگر، ساناز آقایی، کامران طاهری و سحر دیده‌ور مواجه هستیم. کارگردانی اجرایی با سه بازیگر در چنین جهان پیچیده و چندلایه‌ای چه چالش‌هایی دارد؟

در مرحله پیش‌تولید تلاش کردم بازیگران مورد نظرم را برای حضور در این پروژه دعوت کنم. سپس با برگزاری جلسات تحلیلی، کوشیدم زمینه لازم برای شناخت دقیق‌تر نقش‌ها فراهم شود. در ادامه نیز فرصت خلاقیت، پیشنهاد و زیست در نقش را در اختیار بازیگران قرار دادم. با توجه به هوش و درایت هر سه بازیگر، تعامل دوسویه‌ای میان ما شکل گرفت که نتیجه آن را اکنون روی صحنه می‌بینیم. معتقدم شکل‌گیری شخصیت‌ها زمانی به نتیجه مطلوب می‌رسد که تحلیل کارگردان با خلاقیت و ظرفیت‌های بازیگر همراه شود.

○ هنگام تولید یک نمایش چقدر به سلیقه مخاطب فکر می‌کنید؟ آیا کارگردان باید مخاطب را به سمت تجربه‌های تازه ببرد یا خودش را با ذائقه موجود هماهنگ کند؟

در آثار پیشین و همچنین در نمایش جدیدم تلاش کرده‌ام حرف جدی خود را با بهره‌گیری از شیوه‌های اجرایی نوین به مخاطب منتقل کنم و چندان به تحریف‌های جهت‌دار تن ندهم. معتقدم تئاتر درام باید با شیوه‌های نوین اجرایی و مطالعات روز جهان همسو شود، نه اینکه صرفاً تابع جهت‌گیری‌های سطحی جامعه باشد. البته در حوزه بازاریابی و تبلیغات، برای جذب طیف گسترده‌تری از مخاطبان به تلاش بیشتری نیاز داریم.

طبیعتاً به سلیقه مخاطب فکر کرده‌ام و معتقدم نمایش انتخاب‌شده می‌تواند بخشی از طیف سلایق مخاطبان را دربر بگیرد، اما برای من تجربه‌های تازه در تئاتر و پیوند با جریان‌های تئاتری اروپا و جهان اولویت بیشتری دارد. البته احترام به ذائقه مخاطب ایرانی نیز ضروری است. به نظرم انتخاب موضوعات جهانی با محوریت خانواده، شخصیت و مضامین انسانی می‌تواند مسیر خود را برای ارتباط با مخاطب پیدا کند و همین مسئله اهمیت دارد.

○ در روزگاری که جامعه با بحران‌های مختلف، اضطراب و نوعی فرسودگی جمعی روبه‌روست، تئاتر چه کارکردی می‌تواند داشته باشد؟ آیا هنوز می‌توان از تئاتر به‌عنوان فضایی برای گفت‌وگو، مقاومت و بازاندیشی اجتماعی حرف زد؟

تئاتر به‌عنوان هنری زنده که اجرای آن در حضور مستقیم مخاطب اتفاق می‌افتد، همچنان اثربخشی ویژه‌ای دارد. حتی می‌توان به ابعاد تئاتردرمانی و ظرفیت‌های آموزشی آن نیز توجه کرد و از این گستره بهره گرفت.

با این حال، باید بپذیریم که در شرایط فعلی و با گسترش کمدی‌های مبتذل و ملودرام‌های سطحی که عمدتاً به دنبال خنداندن مخاطب یا تقویت مصرف‌گرایی فرهنگی هستند، مسیر تولید آثاری مانند «تن و دیگر تکه‌پاره‌های عشق»، «نامقصد» و «یخ‌زده» دشوارتر شده است. این آثار به دنبال ایجاد تأمل و تفکر در مخاطب هستند و طبیعتاً ارتباط برقرار کردن با چنین رویکردی نیازمند ظرفیت و حوصله بیشتری است.

با وجود این، نمی‌توان از تولید آثار جدی دست کشید. معتقدم تئاترهای اندیشه‌محور، لایه‌مند و معنامند می‌توانند با قدرت تفکر و تعقل مخاطب پیوند بخورند و در نهایت رضایتی دوسویه ایجاد کنند؛ هم برای کارگردان و گروه تولید و هم برای مخاطبی که پذیرای چنین تجربه‌ای است.

○ اگر بخواهید وضعیت امروز تئاتر ایران را از منظر یک کارگردان فعال توصیف کنید، بیشتر با یک دوران گذار مواجهیم یا یک بحران جدی؟ همچنین در ادامه مسیر حرفه‌ای‌تان قصد دارید همچنان به سراغ متون خارجی بروید یا دغدغه پرداختن به مسائل بومی ایران برایتان پررنگ‌تر شده است؟

به نظرم با یک بحران جدی و بحران‌ساز مواجه هستیم؛ چراکه تغییر ذائقه مخاطب به سمت سطحی‌نگری و مصرف‌زدگی، در کنار کاهش مطالعه و گرایش گسترده به شبکه‌های اجتماعی دیجیتال، شرایط متفاوتی را برای تئاتر رقم زده است. به همین دلیل، با انتخاب و تولید آثاری از جنس «تن و دیگر تکه‌پاره‌های عشق» تلاش می‌کنم زمینه‌ای برای بازگشت نسبی مخاطب به تجربه‌های عمیق‌تر و اندیشه‌محور فراهم شود.

در مورد بخش دوم پرسش، گاهی با اقتباس یا دراماتورژی متون ادبی خارجی که رویکردی جهانی، انسانی و فرامرزی دارند، آثار نمایشی خود را خلق و تولید می‌کنم و گاهی نیز ممکن است قلم شخصی‌ام به سراغ مشکلات و درام‌های جدی اجتماعی جامعه ایران برود. همان‌طور که در نمایش «نامقصد»، روایتی ایرانی از مشکلات زنان در حوزه هنر تئاتر مطرح شد و این موضوع به درامی جدی با رویکردهای روان‌شناختی و جامعه‌شناختی درباره پدیده‌ای نسبتاً نوظهور پیوند خورد. بنابراین هر دو دسته متون داخلی و خارجی در برنامه کاری من قرار دارند و هرکدام ظرفیت‌های فکری و اجرایی متفاوتی را ایجاد می‌کنند. برای من مهم این است که موضوع انتخاب‌شده از ظرفیت لازم برای شکل‌گیری یک تجربه نمایشی عمیق برخوردار باشد.

سحر دیده‌ور، بازیگر:

تئاتر برای من فرصتی برای کشف دوباره زندگی است

سحر دیده‌ور، بازیگر نمایش «تن و دیگر تکه‌پاره‌های عشق» در گفت‌وگو با صبا از تجربه بازیگری، شکل‌گیری شخصیت ماری و چالش‌های فعالیت حرفه‌ای در تئاتر ایران می‌گوید.

○ از چه نقطه‌ای بازیگری برای شما از یک علاقه یا تجربه هنری به یک انتخاب جدی و حرفه‌ای تبدیل شد؟

ورود من به بازیگری از کلاس فیلمنامه‌نویسی آغاز شد. به پیشنهاد دوستانی که در آن کلاس حضور داشتند، در یک فیلم کوتاه جلوی دوربین رفتم و تشویق‌های آن‌ها باعث شد بازیگری را جدی‌تر دنبال کنم. بعد از آن در مؤسسه بامداد آموزش دیدم و در چند فیلم کوتاه و تئاتر تجربه کسب کردم. اما یکی از تجربه‌های جدی و حرفه‌ای من روی صحنه، ایفای نقش طلا در نمایش «هاری» به کارگردانی افشین